

جای بهرامی، ودیعتی و بیلدارماهانی خالی است؛

میراث داران خاموش شده



*** سیدمهدی طبیب‌زاده***

نیست، و البته دانشی که شاید جایی ثبت نشده باشد. واقعیت این است که کرمان هنوز سازوکار نهادی برای بهره‌گیری از سرمایه انسانی‌اش ندارد. نه بانک دانشی، نه نظام انتقال تجربه، و نه مرکز ثبت میراث ناملموس انسانی متخصصان. بنابراین مرگ هر فرد برابر است با حذف یک کتابخانه‌ی کامل، و این عادتِ دیرین ماست که بعد از رفتن‌شان تازه می‌فهمیم چه چیزی را از دست داده‌ایم. پیامدهای فقدان این افراد، ضربه به سرمایه اجتماعی است. این افراد پل‌هایی بودند میان بخش خصوصی، نهادهای فرهنگی، مردم و مدیریت شهری، با رفتن‌شان بخشی از اعتماد اجتماعی فرو می‌ریزد، همکاری‌ها سخت‌تر می‌شود، و روندهای بین‌نسلی توسعه متوقف می‌ماند، و بخش زیادی از اطلاعات ناگفته‌ی آن‌ها به خاک سپرده می‌شود. در گردشگری و حفاظت از میراث این سرزمین، دانشی که این افراد داشتند قابل جایگزینی سریع نیست. بسیاری از این

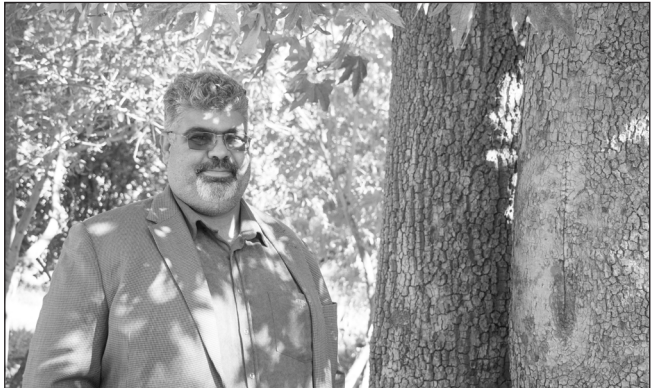
مهارت‌ها از مسیر تجربه، شکست، آزمون و خطا به دست آمده بود. از دست دادن چنین چهره‌ها یعنی فاصله‌گرفتن از تجربه‌های محلی، تکرار اشتباهات گذشته، و کندشدن مسیر احیا و توسعه. بسیاری از پروژه‌های مردمی، انجمنی و میراثی به حضور این افراد متکی بود. با فقدان آنان، برخی پرونده‌ها بی‌سرپرست می‌ماند، شبکه‌ی همکاران متفرق می‌شود، و انرژی روانی تیم‌ها فرو می‌ریزد.

از مهم‌ترین درس‌هایی که فقدان اخیر چهره‌های اثرگذار میراث و گردشگری کرمان به ما یادآوری کرده، این است که جامعه وقتی به افراد متکی باشد و نه به سیستم، با رفتن هر فرد دچار گسست می‌شود. ما در سال‌های گذشته بارها شاهد بودیم که افراد توانمند، پروژه‌ها را پیش می‌بردند، اما ساختارهای رسمی نتوانستند ظرفیت آن‌ها را در یک چارچوب پایدار جذب کنند؛ بنابراین با نبودشان، جریان کار نیز متوقف شد. برای تغییر این وضعیت باید سازوکاری طراحی شود که فرد توانمند «بخشی از سیستم» باشد، نه نیروی بیرون از آن.

شکل‌گیری نوعی از مرکز اسناد میراث و گردشگری، ثبت تجربه‌ها و روایت‌های حرفه‌ای، و تعریف نقش‌های رسمی مشاورتی و اجرایی برای افراد متخصص، اولین قدم‌های ضروری است. در کنار آن، لازم است فرایند انتقال دانش بین نسل‌ها، برنامه‌ریزی شده و نهادی باشد تا وابستگی به اشخاص کاهش یابد. همچنین باید پروژه‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که مدیریت آن‌ها قابل واگذاری، ادامه‌دار و مبتنی بر ساختار باشد نه وابسته

به مناسبت گرامیداشت یاد و خاطره شادروان امین ماهانی؛

پژوهشگر و باستان‌شناسی سخت‌کوش و بی‌ادعا



*** رضاریاحیان***

هفته قبل با خبر شدیم روانشاد امین ماهانی (بیلدار) ایران‌شناس، کرمان‌شناس و ماهان‌شناس برجسته بر اثر سکته قلبی از میان ما رفتند و دل اکثر دوستان و همکاران را به درد آوردند روحش شاد و یادش گرامی. عموم جامعه و محققین، ایشان را با مدیریت قنات جوپار و باغ شاهزاده می‌شناختند و به عبارتی مدیریت، حفاظت و پاسداشت میراث فرهنگی، توسعه و رونق گردشگری و احیاء صنایع دستی بخش ماهان مرهون زحمات بی‌دریغ این مسئول بی‌ادعا بود.

ویژگی دیگر این پژوهشگر، مطالعات در زمینه باستان‌شناسی بود؛ به طوری که طرح بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش ماهان با مجوز پژوهشکده باستان‌شناسی کشور در سال جاری توسط ایشان انجام و نتایج حاصل از آن در پیچه‌ی تازه‌ای در مطالعات باستان‌شناسی منطقه جنوب شرق، کرمان و ماهان باز کرد. مخصوصاً نوپافته‌های پارینه سنگی (انسان‌های اولیه) آن جایگاه مهم و موثر ماهان را در این زمینه نشان می‌دهد. همچنین مطالب یادداشت سفر به لایه‌ی تاریخ، بخش اول (رد پای انسان اولیه در

به یک فرد خاص. با این رویکرد، هم تجربه و دانش افراد حفظ می‌شود و هم سیستم آن قدر قوی می‌شود که با رفتن هیچ‌کس از هم نپاشد. تنها در این صورت است که کرمان می‌تواند از چرخه تکراری انکا به افراد و فروپاشی پس از فقدان آن‌ها عبور کند. البته که هیچ تمهیدی فقدان جان‌های عزیز از دست رفته را جبران نخواهد کرد.

حرف تلخ همین است ...

بسیاری از چیزها را می‌شود دوباره ساخت؛ ساختمان، پروژه، بودجه، ساختار. اما جان آدم‌هایی که با دل‌شان کار می‌کردند، جایگزین نمی‌شود. چالش امروز کرمان فقط سوگواری نیست؛ بلکه ساخت بستری برای حفظ، انتقال و سازمان‌دهی دانش و تجربه این افراد است و پذیرش این واقعیت که میراث بسیاری از دارایی‌های این سرزمین متوسل به افراد تاثیرگذاری‌ست که از دل این مردم برآمده‌اند و فقط عرق و محبت این خاک، آن‌ها را بر آن می‌دارد که بیشتر از وظیفه کاری، از آنچه میراث کرمان خوانده می‌شود پاسداری کنند.

عزیزان مان، محمدرضا بهرامی، حسین ودیعتی و امین بیلدار ماهانی از بین ما رفتند. جای آن‌ها همیشه در این سرزمین خالی خواهد ماند و یادشان در دل مردمان جاودانه. اما بسیاری هستند که گمنام یا نام‌اشنا در گوشه‌ای از این خاک در تلاش‌اند برای آینده‌ای بهتر. آن‌ها را دریابیم و در سیستم نخه‌پرور و نه رانت‌خوار و سیاست‌زده، بگذاریم تلاش‌شان به ثمر برسد، و آن‌ها را ارج نهمیم.

* رئیس اتاق استان کرمان

پرننگ و فعال داشت، و برپایه‌ی صحبت آقای رحمتی بخشدار فعلی ماهان در روز خاکسپاری، که عنوان کرد آقای ماهانی علاوه بر اطلاعات میراثی، مستندات مهمی در دیگر بخش‌های ماهان داشتند و به عنوان یک مشاور با داریت و کاربرد راهگشای اکثر مسائل و مشکلات بخش ماهان بودند. و به عبارتی در زمان حیات خود یک دایره‌المعارف زنده‌ی ماهان محسوب می‌شدند.

این بخشی از پیشینه‌ی اجرایی و علمی زنده‌یاد امین ماهانی پژوهشگر، دوست و همکار گشاده روی ما بود و به قول ایشان که همیشه می‌گفت «انسان باید باری از روی دل بردارد»، او همیشه به آن عمل می‌کرد و به گفته‌ی تمامی آدم‌هایی که با او در ارتباط بودند، مرحوم «امین» کار همه را انجام می‌داد و باری از روی دل دوستان و همکارانش بر می‌داشت.

امید است با انجام فعالیت‌های موثر و هدفمند راه و روش این مرد بزرگ بی‌ادعا ادامه پیدا کند. همچنین در آینده‌ی نزدیک مراسم نکو داشتی برای این پژوهشگر خستگی‌ناپذیر برگزار شود، تا نام این مرد پر تلاش و با اخلاق زنده نگاه داشته شود.

* باستان‌شناس و پژوهشگر

یاددا

دریغ و درد که امین زودتر از من پر کشید!

* محمد برشان*

بیا پیش از آن‌که مدادها تمام شوند برای یکدیگر نامه‌ای بنویسیم. من برای تو از امین ماهانی می‌نویسم که به سوی عشق پرکشید؛ صدایت را شنیدم که هم امین بودی و هم ماهانی. صدایت را بوییدم روزی که با تو آشنا شدم؛ قصه‌ی ما قنات بود، ای تازه‌ترین آوا، ای آشناترین دریا. آن روز روحم در صدای تو و صداقت تو خود را شست که به تو گفتم امین انگار تو را کشف کرده‌ام تا پس از من قصه‌ی گم‌شده‌ی قنات را برای نسل‌ها شرح دهی و روح مرا در نبودنم شاد کنی.

ولی دریغ و درد؛ امین زودتر از من پرکشید، دلم می‌خواست زمان بایستد، زمین میان سیارات دیگر گم شود، و فقط تو باشی. بعد از تو می‌خواهم از همه چیز بگریزم، و هیچ چیز و هیچ کس را به اتاقم راه ندهم. نمی‌دانم چرا کسی روح‌های مجهول را کشف نمی‌کند و چرا کسی بغض‌های آب نشده و درهای بسته را شرح نمی‌دهد؟ بعد از تو باغ و قنات جهانی تنها شدند، و ماهان از این به بعد شهرزاد قصه‌گوی تاریخ‌های کهن را نخواهد داشت.

وای که روزگار چقدر کوتاه است؛ چراغ‌های خوشبختی دیری نمی‌پایند و من سحرگاهان مثل شمع‌ها بی‌تو و به یاد تو، سراپا اشک و آه نهان‌سوز می‌شوم. یاد بازدیدهایی که باهم بودیم، یاد غم‌ها و دغدغه‌هایت، یاد همایش‌ها، نشست‌ها و جشن‌هایی که تو در آن‌ها حضور داشتی بخیر.

من چه عزیزی را از دست دادم و به راستی در جست‌وجوی کدام قناری خسته مثل امین ماهانی که امید آینده‌ی من بود باید هفت شهر عشق را بیمایم و آخر هم دست خالی برگردم!؟

روح امین عزیز شاد و یادش جاودان باد.

* مدیر مرکز قنات استان کرمان

پیام سپاس خانواده و بستگان روانشاد امین ماهانی

قدردان همدلی و همراهی شما بزرگواران هستیم

گروه اطلاع‌رسانی: خانواده، بستگان و دوستان زنده‌یاد امین بیلدار ماهانی با انتشار پیامی مراتب سپاس و قدردانی خود را نسبت به مردمی که در سوگ آن عزیز از دست‌رفته با آنان همدلی و همراهی کردند، ابراز نمودند. متن این پیام به شرح زیر است:

به نام خداوند جان و خرد

در روزهایی که یاد و نام زنده‌یاد امین ماهانی، فرزند ماهان، نواده پیر مهرزبان، بابا کلاه‌داز، بابا صامت همدانی - مدیر قنات جهانی گوهرریز، پژوهشگر، باستان‌شناس و کاوشگر رازهای تاریخ این سرزمین - در فضای جامعه جاری و غم دوری‌اش جانکاه بود، حضور پربار مسئولین کشوری، استانی و محلی، همچنین مردم بزرگ‌منش و فرهنگ‌دوست ماهان و همه‌ی اهالی علم و فرهنگ و دوستان غریب و آشنای او برای ما مایه‌ی دلگرمی و تسلی شد.

سپاسگزاریم از همه‌ی عزیزانی که با حضور، پیام، همراهی و مهربانی خویش نه‌تنها ادای احترام به یک دانش‌پژوه خستگی‌ناپذیر، خانواده و دوستان مرحوم کردند، بلکه ارج‌گذاری خود را به میراث فرهنگی و هویت تاریخی ایران بالاخص کرمان و ماهان جان و میراث بان آن نشان دادند.

توجه و محبت شما، در روزهایی که قلب ما سوگوار خاموشی چراغی در راه دانش و فرهنگ بود، یادآور این حقیقت شد که اندیشه و کوشش صادقانه در راه احیای تاریخ و تمدن، هرگز در تاریکی فراموشی فرو نمی‌رود.

از عمق جان، قدردان همدلی و همراهی همه‌ی شما بزرگواران غریب و آشنا، گمنام و پریشان هستیم. امید داریم این پیوند مهر و احترام، همچون قنات‌های کهن این سرزمین که زنده‌یاد امین، در جوار یکی از آن‌ها آرامیده، زاینده و ماندگار بماند.

خانواده‌های ماهانی (بیلدارماهانی)، صابرماهانی، خادم نعمت‌اللهی و گلستان و دوستان عزیز در خاک آرمیده‌ی امین بیلدار ماهانی.